

بررسی حجیت اطمینان در ارزیابی صدوری حدیث

محمد مروارید
عضو حلقه علمی حدیث

چکیده: یکی از پژوهش‌های بایسته در عرصه حدیث پژوهی، ارزیابی صدور احادیث است. اثبات قطعی صدور حدیث به ندرت اتفاق می‌افتد. بنابراین باید برای اثبات صدور، مسیر دیگری غیر از قطع را پیمود. در مقابل، حصول اطمینان یا همان علم عرفی به صدور احادیث، زیاد است. اگر اطمینان حجت باشد، احراز صدور روایات به آسانی انجام می‌شود. در این جستار به بررسی حجیت اطمینان در این عرصه پرداخته شده است و در آخر، جزئیات و شرایط این حجیت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حجیت اطمینان، ارزیابی صدوری حدیث، حجیت اصولی، اطمینان شخصی، اطمینان نوعی.

مقدمه

پیش از ورود به بحث، در ابتدا به سه مقدمه اشاره می‌گردد:

مقدمه اول: مراحل کشف - همان‌طور که در علم منطق آمده است¹ - چهار مرحله است. مرحله اول «وهم» نام دارد. وهم، درجه‌ای از کشف است که در مقابل آن، درجه بیشتری از کشف قرار دارد. مرحله دوم «شک» نامیده می‌شود. در این مرحله، درجه کشف، مساوی با درجه کشف مقابل است. مرحله سوم «ظن» و «گمان» نام دارد. درجه

1. محمد رضا مظفر، المنطق، صص 16-18.

کشف در این مرحله، غالب بر درجه کشف مقابل است. یعنی عقل برای حالت مقابل، احتمالی را ثابت می‌داند. ظن و گمان بر دو نوع است. نوع اول «ظن اطمینانی» است که با وجود احتمال عقلی بر خلاف طمأنینه، سکون و آرامش نفس می‌زاید. از این روی، عقلاً به احتمال خلاف آن اعتنا نمی‌کنند. از آن به «ظن متأخم به علم»، «علم عادی» و «علم عرفی» تعبیر می‌شود. منظور ما از «اطمینان» همین نوع از ظن است. نوع دوم، «ظن غیر اطمینانی» است که احتمال خلاف آن مورد اعتنای عقلاً قرار می‌گیرد.

مرحله چهارم، «علم» نام دارد. علم یعنی کشف به درجه‌ای برسد که احتمال خلاف آن نزد عقل منتفی باشد. علم دارای دو نوع است. نوع اول «علم فلسفی» است که با دقت عقلی نیز احتمال خلاف داده نمی‌شود و عقل خلاف آن را محال می‌داند. گاهی از آن به «علم عقلی» نیز تعبیر شده است.¹ نوع دوم «علم ریاضی» است که با دقت عقلی احتمال خلاف داده می‌شود و عقل، خلاف آن را ممکن می‌داند؛ اما به طور خودکار، آن احتمال را الغا می‌نماید و آن را به حساب نمی‌آورد. بیشتر علم‌های به دست آمده از این نوع‌اند. گاهی از این نوع علم به «علم عادی» تعبیر شده است.²

مقدمه دوم؛ مهم‌ترین کاربردهای اطمینان در زمینه پژوهش‌های حدیثی از این قرار است:

یک. ارزیابی صدور حدیث؛ یعنی بررسی حدیث از جهت صدور یا عدم صدور.

دو. ارزیابی دلالتی حدیث که شامل ارزیابی جهتی حدیث نیز می‌شود.

سه. بررسی اعتبار رجالی راویان.

در هر یک از این زمینه‌ها دو بحث مطرح می‌باشد:

اول: حجیت اطمینان.

دوم: راه‌های حصول اطمینان.

ما در این مقاله به بحث اول پرداخته‌ایم.

مقدمه سوم. در علم اصول فقه خوانده‌ایم که در صورت علم به صدور یک خبر، آن

خبر - به دلیل حجیت ذاتی و غیر قابل انفکاک قطع - حجت است.

در صورت ظن غیر اطمینانی به صدور، تا وقتی که دلیلی قطعی بر حجیت ظن

اقامه نشود، آن خبر حجت نیست؛ زیرا اصل در حجیت ظن، عدم حجیت است. اکنون

چند سؤال به ذهن می‌رسد که آیا اطمینان به صدور روایات حجت است؟ اگر حجت

1. محمد مجاهد، مفاتیح الأصول، ص 330.

2. همان؛ محمدعلی اراکی، کتاب الطهارة، ج 2، ص 131.

است حجیت آن به چه صورت است؟ به طور مثال، حدیثی در فروع کافی ذکر شده که سه طریق صحیح و یک طریق موثق دارد^۱؛ بدین خاطر این حدیث از جهت صدور، اطمینانی است. آیا می توان گفت: که مضمون این حدیث حجت است؟ این مسئله، بنا بر هر دو مبنای وثوق صدوری و وثوق سندی، محل بحث است که البته اثبات حجیت اطمینان، شاکله مبنای وثوق صدوری را می سازد و بنا بر وثوق سندی، راه دیگری غیر از وثاقت راویان، برای حجیت باز می کند. شایان ذکر است که ما در این مقاله در مقام اثبات اصل حجیت اطمینان به صدور هستیم اما اینکه این حجیت در کدام حوزه از معارف دینی - یعنی معارف نظری مانند عقائد و معارف عملی مانند فقه - راه گشاست، مسئله ای است که به پژوهشی دیگر واگذار می گردد. این مقاله شامل سه بخش است: بخش اول: ادله حجیت اجمالی اطمینان به صدور حدیث. بخش دوم: اشکال به حجیت اجمالی اطمینان با آیات مانع از عمل به ظن. بخش سوم: شروط حجیت اطمینان به صدور.

1. ادله حجیت اجمالی اطمینان به صدور حدیث

در میان نظرات، آنچه محل اتفاق است، عدم حجیت اطمینان به صورت ذاتی و غیر قابل ردع و انفکاک است. یعنی دلیلی عقلی نداریم که هنگام نهی و ردع شارع از عمل به اطمینان، موجب بی اثر شدن ردع شارع گردد. بنابراین همگی اتفاق دارند که اطمینان و قطع، از این جهت دارای تفاوت اند. در این بخش، به ادله ارایه شده از سوی دانشمندان شیعه و ادله ای که قابلیت ارایه شدن برای حجیت اطمینان به صدور خبر دارند می پردازیم.

1.1. بنای عقلا

بیشتر دانشمندان اسلامی، حجیت اطمینان را با این دلیل اثبات نموده اند. از جمله آخوند خراسانی^۲، علامه مامقانی^۳، میرزای نایینی^۴، محقق حایری^۵، محقق فیروزآبادی^۶،

1. شیخ کلینی، الکافی، ج 6، ص 143، ح 5.

2. محمد کاظم خراسانی، درر الفوائد، ص 567.

3. عبدالله مامقانی، مقباس الهدایة فی علم الدرابة، ج 1، ص 185.

4. محمد حسین نایینی، اجود التقريرات، ج 2، ص 96؛ همان، فواید الأصول، ج 2، ص 548.

5. عبدالکریم حایری یزدی، کتاب الصلاة، ص 23.

6. مرتضی فیروزآبادی، عنایة الأصول فی شرح کفایة الأصول، ج 3، ص 140.

آیت‌الله خویی¹، آیت‌الله اراکی²، شهید آیت‌الله محمد باقر صدر³، آیت‌الله سیستانی⁴، آیت‌الله سبحانی⁵ و آیت‌الله مؤمن⁶. شهید صدر می‌گوید: «مقصودنا بالاطمئنان هنا درجة خاصة من الظن القوی التي يراها العقلاء معها حجة و تثبت حجّيته شرعاً بعدم الردع»⁷.

1,1,1. اصالت یا عدم اصالت حجیت اطمینان به صدور

قایلان به حجیت اطمینان با دلیل بنای عقلا به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول با دلیل بنای عقلا اصل را در اطمینان، حجیت می‌دانند و گروه دوم اصل را همان عدم حجیت می‌دانند که با احراز سکوت شارع در برابر این بنا، رضایت شارع را کشف می‌کنند و از اصل خارج می‌شوند.

یک. اصالت حجیت اطمینان با دلیل بنای عقلا

معنای اصالت حجیت این است که هنگام شک در حجیت اطمینان در حالتی از حالات اطمینان به صدور باید بنا را بر حجیت گذاشت. این نظریه مبتنی بر مبنای محقق اصفهانی و شاگردان اوست که بنای عقلا را تا وقتی که ردعی از طرف شارع - با قطع یا اماره - ثابت نشده حجت می‌دانند. از جمله کسانی که به اصالت حجیت اطمینان به صدور معتقدند، مرحوم آیت‌الله مظفر و مرحوم آیت‌الله اراکی می‌باشند⁸. این نظریه با عدم پذیرش مبنای محقق اصفهانی دچار مشکل می‌شود. نظر بیشتر محققان، عدم صحت این مبناست؛ چرا که صرف اینکه شارع، عضوی از عقلا می‌باشد، دلیلی برای حجیت شرعی نمی‌شود. اشتراک شارع با عقلا در این است که «بما هم عقلا» اطمینان را حجت می‌دانند. چه دلیلی وجود دارد که شارع «بما هو شارع» و در احکام شرعی نیز اطمینان را حجت بداند. محقق مشکینی، مسلک اصالت حجیت

1. ابوالقاسم خویی، دراسات فی علم الأصول، ج3، ص478؛ همان، مصباح الأصول، ج2، ص240؛ همان، الهدایة فی أصول الفقه، ج3، ص523.
 2. محمدعلی اراکی، کتاب الطهارة، ج2، ص131.
 3. محمدباقر صدر، مباحث الأصول، ج2، ص670؛ ج4، ص137.
 4. علی سیستانی، الرافد فی علم الأصول، ص24.
 5. جعفر سبحانی، أصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية، ص60.
 6. محمد مؤمن قمی، مبانی تحریر الوسيلة، ج1، ص76.
 7. محمدباقر صدر، مباحث الأصول، ج4، ص137.
 8. محمدرضا مظفر، أصول الفقه، ج2، ص92؛ محمدعلی اراکی، کتاب الطهارة، ج2، ص131.

اطمینان با دلیل بنای عقلا را به وسیله همین اشکال مردود می‌خواند؛ زیرا چه بسا عقلا برای تسهیل در امور خویش، اطمینان را حجت می‌دانند و از هیچ اصل عقلی‌ای پیروی نمی‌کنند¹. معقول نیست که بگوییم حتماً شارع هم در احکام شرعی اطمینان را حجت می‌داند.

دو. حجیت اطمینان با دلیل بنای عقلا و اصالت عدم حجیت

بنابراین نظریه، هنگام شک در حجیت اطمینان در حالتی از حالات اطمینان باید رجوع به اصل عدم حجیت نمود. این نظریه مبتنی بر مبنای لزوم احراز سکوت برای حجیت بنای عقلاست. اگر معصوم 7 در برابر بنای تمامی عقلا سکوت پیشه کند، آن بنا امضا می‌گردد.

1,1,2 اثبات بنای عقلا بر حجیت اطمینان در زمان معصوم²

برای اثبات بنای عقلا بر حجیت اطمینان به صدور اخبار می‌توان یکی از این دو راه را انتخاب نمود.

راه اول: هر انسانی اگر به وجدان و ارتکاز عقلایی خویش، توجه نماید می‌پند که حجیت اطمینان بنایی نیست که با تغییر خصوصیات متغیر از جمله زمان و مکان از بین رود. این چنین نیست که این بنا زمانی در عقلا وجود داشته باشد و زمانی موجود نباشد؛ چرا که اطمینان، علم عرفی است و عقلا درجه کشف مقابل را نمی‌پیند. بنابراین اگر این بنای عقلا در زمان ما موجود است، به طور مسلم در زمان معصوم 7 هم بوده است.

راه دوم: در زمان حاضر چنانچه حجیت اطمینان از دستور کار عقلا خارج شود، نظام زندگی آنها به کلی دگرگون می‌گردد چرا که حصول قطع در تمام عرصه‌های زندگی عقلا بسیار کم‌یاب است. اگر اطمینان به صدور بین عقلا آن زمان حجت نبوده است، پس ایشان فقط قطع به صدور را مبنای عمل خویش قرار می‌داده‌اند. بنابراین می‌گوییم چون التزام به چنین مبنایی غریب است و دور از واقعیت عقلای فعلی می‌باشد، باید در منابع تاریخی به آن اشاره‌ای می‌شد و حال آنکه نشده است.

1. ابوالحسن مشکینی، حواشی المشکینی، ج 3، ص 147.

2. برگرفته از: محمدباقر صدر، دروس فی علم الأصول، ج 2، صص 114-117.

1,1,3. اثبات سکوت شارع در برابر بنای عقلا بر حجیت اطمینان¹

بنا بر آنچه گذشت، سکوت شارع فقط بنا بر مبنای اصالت عدم حجیت نیاز به اثبات دارد. در این جا می‌گوییم اگر معصوم بخواهد از بنایی که تمام عقلا در تمام ابعاد زندگی‌شان به آن دچارند، نهی نماید، صحیح نیست که به یک یا دو نهی اکتفا کند بلکه باید به اندازه‌ای ردع نماید که اتمام حجت شود. سپس می‌گوییم از این حجم ردع، حداقل دو یا سه نهی باید به ما می‌رسید. در حالی که هیچ ردعی از این بنای عقلا در دست نیست. بحث از آیات نهی از ظن و ردع آنها از این سیره خواهد آمد.

1,2. سیره متشرعه

با بررسی سیره و منش یک گروه که زیر نظر یک رهبر و رئیس می‌زیسته‌اند و کشف نقطه مشترک بین آنها می‌توان به رأی و نظر رئیس آن گروه، پی برد. بنابراین اگر ثابت شد که مسلمانان در زمان معصوم به خبر اطمینانی عمل می‌نمودند، می‌توان از این راه به تأیید معصوم دست یافت.

1,2,1. اثبات وجود سیره متشرعه بر عمل به خبر اطمینانی در زمان معصوم²

راه اول: برای کشف چنین سیره‌ای، به نقل‌های متواتر تاریخی رجوع می‌کنیم. حجم نقل‌هایی که بین راویان انجام می‌شده و کم‌یاب بودن حصول قطع در این نقل قول‌ها - به دلیل وجود واضعان و جاعلان پنهان حدیث و احتمال تغییرات متنی و سندی به طور غیر عمدی - ما را به وجود این سیره راهنمایی می‌نماید.

راه دوم: اگر چنین سیره‌ای وجود نداشته است، لازم می‌آید سؤال‌ها از معصوم درباره حجیت خبر اطمینانی زیاد صورت بگیرد چرا که از طرفی قطع به صدور - به دلیل وجود واضعان و جاعلان پنهان حدیث و احتمال تغییرات متنی و سندی به طور غیر عمدی - به ندرت حاصل می‌شده است و چون اصلی‌ترین راه یافتن وظایف شرعی روایات‌اند، اکتفا به روایات قطعی‌الصدور برای دریافت وظایف شرعی بسیار دشوار بوده است. بنابراین، انگیزه و داعی برای فراوانی سؤال‌ها درباره اکتفای عمل به خبر اطمینانی وجود دارد. اما سؤالی در این باره در دست نیست.

1. برگرفته از: محمدباقر صدر، دروس فی علم الأصول، ج2، ص117.

2. برگرفته از: محمدباقر صدر، دروس فی علم الأصول، ج2، صص114-117.

1,3. آیه نبأ

برخی مانند شیخ انصاری و آخوند خراسانی از منطوق آیه نبأ¹، حجیت خبر اطمینانی را برداشت نموده‌اند.²

بنابراین استدلال، واژه «تبین» - که طبق آیه موضوع برای حجیت است - حمل بر معنای ظاهر و عرفی آن می‌شود. «تبین» یعنی روشن و آشکار شدن و ظن اطمینانی نیز نزد عرف موجب وضوح است. همچنان که روشن است این استدلال مبتنی بر حجیت ظهور است.

1,4. ادله متواتر حجیت علم

آیت‌الله مؤمن قمی ادله متواتری را که دلیل بر لزوم عمل به علم‌اند را دلیل بر حجیت اطمینان می‌داند؛ چرا که علم نزد عرف شامل اطمینان نیز می‌گردد.³ روشن است که این استدلال دارای پیش‌فرض حجیت ظهور عرفی است. اشکالی که بر این نظر می‌توان وارد نمود، این است که اگر این ادله عمل به قطع را لازم می‌شمارند، همگی ارشاد به حکم عقل‌اند؛ چرا که عمل به قطع، عقلاً لازم است. اگر این ادله حجیت را برای اطمینان جعل می‌نمایند، نیاز به اعمال مولویت دارند و با سیاق ارشادی سازگار نیست. به همین دلیل این ادله نمی‌توانند دلالت بر لزوم عمل به قطع و اطمینان داشته باشند؛ چرا که ارشادی بودن و مولوی بودن در یک کلام جمع نمی‌شوند. سپس باید گفت که مولوی بودن تمام این روایات و اینکه تمام آنها ناظر به اطمینان هستند، ادعای بزرگی است که قابل اثبات نیست.

1,5. انسداد باب علم

این دلیل دارای مقدماتی است که از آنها در علم اصول به طور مفصل بحث می‌شود و ما در این مجال، فرصت طرح این مقدمات را نداریم.

اصولیان برجسته‌ای مانند شیخ انصاری پیش از این به نقد این مقدمات پرداخته‌اند.⁴ البته قایلان به این دلیل، باب اطمینان را نیز مسدود می‌دانند. بدین خاطر به حجیت

1. (إن جاءكم فاسقٌ پَنِياً فَتَبَيَّنُوا) (حجرات/6).

2. مرتضی انصاری، فرائد الأصول، ج 1، ص 120؛ محمد کاظم خراسانی، درر الفوائد، ص 525.

3. محمد مؤمن قمی، مبانی تحریر الوسيلة، ج 1، ص 76.

4. ر.ک: مرتضی انصاری، فرائد الأصول، ج 1، صص 175-306.

ظن مطلق روی می‌آورند. اصلی‌ترین اشکال به این دلیل - بر فرض صحت تمام مقدمات - این است که با نگاه حداکثری، نتیجه این دلیل، حجیت خبر اطمینانی نیست بلکه عمل به خبر اطمینانی، فقط از باب احتیاط لازم است.

2. اشکال به حجیت اجمالی اطمینان با آیات مانع از عمل به ظن

بعضی از آیات قرآن کریم عمل به ظنون را مذموم می‌شمارند. این آیات عبارت اند از:

﴿ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ﴾¹.

﴿ إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً ﴾².

﴿ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾³.

این آیات می‌توانند رادع از بنای عقلا باشند و از اساس، مانع حجیت آن شوند و می‌توانند با ادله دیگر مانند سیره متشرعه تعارض کنند. دانشمندان اصولی، پیش از این در بحث حجیت خبر واحد، چندین راه برای جمع بین این آیات و ادله حجیت خبر واحد مطرح نموده‌اند که برخی از آنها صحیح است اما شایان ذکر است که برای حجیت اطمینان، التزام به این راه‌ها لزومی ندارد و مسئله به شکل ساده‌تری حل می‌گردد، یا ما ظاهر را حجت نمی‌دانیم که ردع این آیات از اساس مخدوش است؛ چرا که دلالت این آیات بر ردع، ظنی و ظهور است. اگر ظاهر را حجت می‌دانیم در جواب خواهیم گفت که اطمینان، علم عرفی است. بنابراین ظاهر عرفی از واژه‌های «ظن» و «غیر علم»، ظن غیر اطمینانی است. پس می‌توان اطمینان را تخصصاً از این آیات خارج دانست. برخی از دانشمندان مانند آیت‌الله حایری یزدی⁴، آیت‌الله خویی⁵ و آیت‌الله گلپایگانی⁶ نیز به این راه حل اشاره نموده‌اند. آیت‌الله گلپایگانی می‌گوید: «نهی الشارع عن العمل بغیر العلم - بنظر العرف و العقلاء - محمول علی غیر صورة الاطمینان و الوثوق الذی فرض کونه عنده بمنزلة العلم»⁷.

1. انعام/148.

2. یونس/36.

3. اسرا/36.

4. عبدالکریم حایری یزدی، کتاب الصلاة، ص 23.

5. ابوالقاسم خویی، مصباح الأصول، ج 2، ص 240.

6. محمدرضا گلپایگانی، إفاضة العوائد تعلیق علی درر الفوائد، ج 2، ص 94.

7. همان.

3. شروط حجیت اطمینان به صدور

در بخش‌های گذشته ثابت شد که اطمینان اجمالاً حجیت دارد. بنا بر تحقیق انجام شده، همگی اتفاق دارند که اطمینان به طور مطلق و کلی حجت نیست. برخی مانند آیت‌الله مصطفی خمینی به این مطلب تصریح نموده‌اند¹. در این بخش به این مسئله می‌پردازیم که به طور جزئی و تفصیلی چه نوع اطمینانی حجت است؟ چنانکه واضح است این مسئله بستگی به مبنای ما در حجیت اطمینان دارد. بنابراین در بیان تفصیل‌های حجیت باید مبتنی بر مبانی گذشته بحث نمود.

3.1. اطمینان شخصی یا نوعی

اطمینان به صدور یک حدیث ممکن است شخصی یا نوعی باشد؛ اطمینان شخصی یعنی این درجه از کشف با یک یا چند مقدمه نزد یک فرد حاصل شده است. اگرچه شاید نزد عقلا ملازمه‌ای بین این مقدمات و این درجه از کشف وجود نداشته باشد. به تعبیر دیگر، عقلا درباره کشف حاصل شده برای فرد می‌گویند اگر این درجه از کشف حاصل گردد، به احتمال خلاف آن، اعتنا نمی‌شود اگر چه حاصل نشده است. به‌طور مثال اگر شخصی از ارسال شیخ صدوق به اطمینان به صدور یک حدیث می‌رسد بدین معناست که عقلا درباره این درجه از کشف می‌گویند اگر این کشف - به سبب ارسال - برای ما حاصل شود، به احتمال خلاف آن اعتنا نمی‌شود؛ اگرچه عقلا به سبب ارسال شیخ صدوق به چنین کشفی نرسند.

اطمینان نوعی؛ یعنی عقلا بین یک یا چند مقدمه و درجه کشف اطمینانی، قائل به ملازمه‌اند؛ اگر چه یک فرد - با آن مقدمات - به این درجه از کشف نرسیده باشد. به طور مثال اگر خبری با چند طریق صحیح نقل شود، درجه‌ای از کشف صدور حاصل می‌گردد. در این مثال، عقلا علاوه بر اینکه به احتمال خلاف آن اعتنا نمی‌کنند، حصول این کشف از این مقدمه را تأیید می‌نمایند. این اطمینان، نوعی است. اکنون باید پرسید که حجیت اطمینان به صدور حدیث، کدام نوع از اطمینان را در بر می‌گیرد؟ قایلان به مبنای بنای عقلا دو دسته‌اند:

دسته اول قدر متیقن از بنای عقلا را اطمینان شخصی می‌دانند و حجیت اطمینان نوعی را فاقد دلیل قلمداد می‌نمایند. از جمله این قایلان مرحوم آیت‌الله خوئی و شهید

1. مصطفی خمینی، تحریرات فی الأصول، ج 6، ص 345.

آیت‌الله محمدباقر صدر می‌باشند¹. از ظاهر کلام میرزای نایینی نیز چنین بر می‌آید². بنا بر آنچه در تعریف اطمینان شخصی گذشت، حجیت اطمینان شخصی بدین معنا است که عقلاً درجه کشفی را که احتمال خلاف آن مورد اعتنای خودشان نباشد، حجت می‌دانند؛ چه این کشف دارای مقدمات عقلایی باشد و چه نباشد.

دسته دوم محل استقرار بنای عقلاً را اطمینان نوعی و عقلایی می‌دانند و حجیت اطمینان شخصی را فاقد دلیل بر می‌شمرند. از جمله ایشان علامه مامقانی، مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله سبحانی می‌باشند³. حجیت اطمینان نوعی بدین معناست که عقلاً آن درجه از کشف را حجت می‌دانند؛ اما کشفی را که مقدمات آن هم مورد تأیید عقلاً باشد.

به نظر می‌رسد حق با دسته دوم است، چرا که ما باید ببینیم از دید عقلاً چه اطمینانی حجت است. روشن است که اگر شک داشته باشیم در اینکه عقلاً قیدی را در بنای خود دخیل می‌دانند یا نه، قدر متیقن دخالت قید است. در این جا نیز آنچه مسلم است این است که اگر درجه کشف از مقدمات مورد تأیید عقلاً حاصل شده باشد، عقلاً آن را حجت می‌دانند. اما اینکه صرف کشف اطمینانی را حجت بدانند اگرچه مقدمات آن عقلایی نباشد، محل تردید است و با شک در وجود چنین بنایی، نمی‌توان حکم به حجیت کرد. اما اگر بخواهیم بنا بر مبنای سیره متشرعه، متعلق حجیت را تشخیص دهیم، باید گفت که قدر متیقن از دو راه یاد شده برای اثبات این سیره، اطمینان شخصی است؛ زیرا بر خلاف بنای عقلاً، محور تشخیص قدر متیقن در سیره متشرعه، اشخاص تحت فرمان شرع می‌باشند. اگر در نقل‌ها حصول قطع برای اعضای متشرعه ممکن نباشد، قدر متیقن و درجه نزدیک به قطع، اطمینان شخصی است. همچنین آنچه که بر فرض عدم حجیتش، انگیزه سؤال از معصوم در متشرعه پدید می‌آورد، اطمینان شخصی است.

به تعبیر دیگر، اگر اطمینان نوعی همراه با اطمینان شخصی نباشد، در دید افراد متشرعه ظن است و درجه‌ای پایین‌تر از اطمینان شخصی است. بنابراین اگر به قطع عمل نمایند به درجه نزدیک‌تر به آن - یعنی اطمینان شخصی - عمل می‌کنند.

1. ابوالقاسم خویی، مصباح الأصول، ج 2، ص 240؛ محمدباقر صدر، مباحث الأصول، ج 2، ص 592.

2. محمدحسین نایینی، أجود التقریرات، ج 2، ص 149.

3. عبدالله مامقانی، مقباس الهدایة فی علم الدرایة، ج 1، ص 185؛ محسن حکیم، حقائق الأصول، ج 2، ص 95. علی سیستانی، الرافد فی علم الأصول، ص 24؛ جعفر سبحانی، أصول الحدیث و أحكامه فی علم الدرایة، ص 60.

بنابراین وجود سیره متشرعه متصل به زمان معصوم، بر حجیت اطمینان نوعی - که با ظن شخصی نیز جمع می‌شود - محل تردید است. بنا بر استفاده حجیت اطمینان از آیه «تبا» یا ادله متواتر حجیت علم، نمی‌توان با تمسک به اطلاق واژه «تبین» و واژه «علم» و معنای عرفی آن هر دو نوع اطمینان را حجت دانست؛ چرا که متکلم در این دو دلیل درصدد بیان تفصیل‌های حجیت نیست. بنابراین ظهوری در اطلاق و شمولیت حجیت، وجود ندارد.

اگر قول انسداد را پذیرفتیم، اطمینان شخصی حجت می‌شود؛ زیرا خبری که به صدور آن اطمینان شخصی داریم، نسبت به خبری که به صدور آن اطمینان نوعی بدون اطمینان شخصی وجود دارد، نزدیک‌تر به واقع است. بنابراین اگر حصول قطع ممکن نباشد، قدم بعدی اطمینان شخصی است. ما در بحث قبل، دلیل بنای عقلا، سیره متشرعه را پذیرفتیم. بنابراین هر دو نوع اطمینان حجت است.

3,2. اطمینان همراه با وثاقت راوی یا مطلق اطمینان

برخی از دانشمندان، موضوع حجیت اخبار را اطمینان همراه با وثاقت راوی می‌دانند؛ از جمله مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی حکیم¹.

دلیل ایشان، روایات متواتر حجیت خبر ثقه و قدر متیقن از بنای عقلاست². در جواب دلیل اول می‌توان گفت: آن تعداد از روایات که وثاقت راوی را برای حجیت خبر غیر قطعی لازم می‌دانند، به حد تواتر نمی‌رسند؛ تواتری که وجود دارد، فقط حجیت صرف خبر غیر قطعی را اجمالاً ثابت می‌کنند. بنابراین نمی‌توان برای حجیت خبر غیر قطعی از آنها استفاده نمود. دلیل دوم ایشان نیز با توجه به سیره عقلا رد می‌شود. عقلا به خبری که از شخص دروغ‌گو یا مجهول به آنها می‌رسد، اما با قراین دیگر به صدور آن، اطمینان حاصل شده است عمل می‌کنند.

3,3. اطمینان موضوعی یا مطلق اطمینان

اطمینان را می‌توان به اعتباری دیگر به دو نوع تقسیم نمود: نوع اول اطمینان ذاتی است. اطمینان ذاتی یعنی اطمینانی که سبب ندارد و یا سببی دارد که از جهت منطقی توجیه‌پذیر نیست. به تعبیر بهتر، انسان بدون مقدمه اطمینان به صدور خبری

1. محمدتقی حکیم، الأصول العامة للفقهاء المقارن، ص 211.

2. محمدتقی حکیم، الأصول العامة للفقهاء المقارن، صص 203، 204 و 211.

داشته باشد و یا از مقدمه‌ای اطمینان حاصل شود که ملازمه‌ای منطقی بین این مقدمه و حصول این درجه از کشف وجود نداشته باشد و اقتضای آن مقدمه درجه کمتری از کشف باشد. مثلاً اقتضای خبری که از افراد مجهول یا متهم به دست ما رسیده است، حداکثر ظن به صدور آن خیر است. اگر اطمینان به این حدیث حاصل شود اطمینان ذاتی است. نوع دوم اطمینان، اطمینان موضوعی است که دارای مقدمات متناسب با قواعد منطقی و دارای اقتضای درجه اطمینان است.

آیا آنچه حجت است اطمینان موضوعی است یا اعم از اطمینان موضوعی و ذاتی؟ آنچه در جواب باید گفت این است که: قدر متیقن از دلیل بنای عقلا و سیره متشرعه حجیت اطمینان موضوعی به صدور است و اینکه آیا عقلا اطمینان ذاتی را هم حجت می‌دانند یا متشرعه به این نوع اطمینان هم عمل می‌نموده‌اند محل شک است. از اطلاق آیه «تبا» و ادله متواتر حجیت علم نیز نمی‌توان حجیت اطمینان ذاتی را برداشت کرد؛ زیرا همان‌طور که گذشت خداوند متعال در این دو دلیل در مقام بیان تفصیل‌های حجیت نیست. بنابر دلیل انسداد نیز اگر ما این دو نوع اطمینان را در درجه کشف از واقع، مساوی بدانیم هر دو نوع آن حجت است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفته شد، بهترین دلیل برای حجیت اطمینان به صدور، بنای عقلا، سیره متشرعه و آیه «تبا» می‌باشد و محدوده حجیت اطمینان به صدور، اطمینان موضوعی نوعی یا شخصی است. همچنین مشخص شد که وثاقت راوی، برای حجیت اطمینان به صدور یک حدیث لازم نیست.

منابع:

1. اراکی، محمدعلی، کتاب الطهارة، مؤسسه در راه حق، قم، 1413 ق.
2. انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
3. حایری یزدی، عبدالکریم، کتاب الصلاة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1404 ق.
4. حکیم، محسن، حقائق الأصول، کتابفروشی بصیرتی، بی‌جا، 1408 ق.
5. حکیم، محمد تقی، الأصول العامة للفقهاء المقارن، مجمع جهانی اهل بیت، بی‌جا، 1418 ق.
6. خراسانی، محمد کاظم، درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌جا، 1410 ق.
7. خمینی، مصطفی، تحریرات فی الأصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، 1418 ق.

8. خویی، ابوالقاسم، دراسات فی علم الأصول، تقرير علی هاشمی شاهرودی، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم، 1419ق.
9. خویی، ابوالقاسم، مصباح الأصول، تقرير محمد سرور بهسودی، کتابفروشی داوری، بی جا، 1417ق.
10. خویی، ابوالقاسم، الهدایة فی أصول الفقه، تقرير حسن صافی اصفهانی، مؤسسه صاحب الامر عجل الله فرجه، بی جا، 1417ق.
11. سبحانی، جعفر، أصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية، مؤسسه امام صادق 7، چاپ 4، قم، 1426ق.
12. سیستانی، علی، الرافد فی علم الأصول، تقرير سيد منیر، دفتر آیت الله العظمی سیستانی، قم، 1414ق.
13. صدر، محمدباقر، دروس فی علم الأصول، دارالمنتظر، بی جا، 1405ق.
14. _____، مباحث الأصول، تقرير محمد کاظم حایری، مقرر، بی جا، 1408ق.
15. فیروز آبادی، مرتضی، عنایة الأصول، فیروز آبادی، قم، 1400ق.
16. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، 1365.
17. گلپایگانی، محمدرضا، إفاضة العوائد تعلیق علی درر الفوائد، دارالقرآن الکریم، بی جا، 1410ق.
18. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، مؤسسه آل البيت، قم، 1411ق.
19. مؤمن قمی، محمد، مبانی تحریر الوسيلة، بی نا، بی جا، بی تا.
20. مجاهد، محمد، مفاتیح الأصول، مؤسسه آل البيت، بی جا، بی تا.
21. مشکینی، ابوالحسن، حواشی المشکینی، لقمان، بی جا، 1413ق.
22. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، اسماعیلیان، بی جا، بی تا.
23. _____، المنطق، دفتر اسلامی، قم، بی تا.
24. نایینی، محمدحسین، أجود التفیرات، تقرير ابوالقاسم خویی، مصطفوی، قم، 1368ش.
25. _____، فواید الأصول، تقرير محمد علی کاظمی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1417ق.